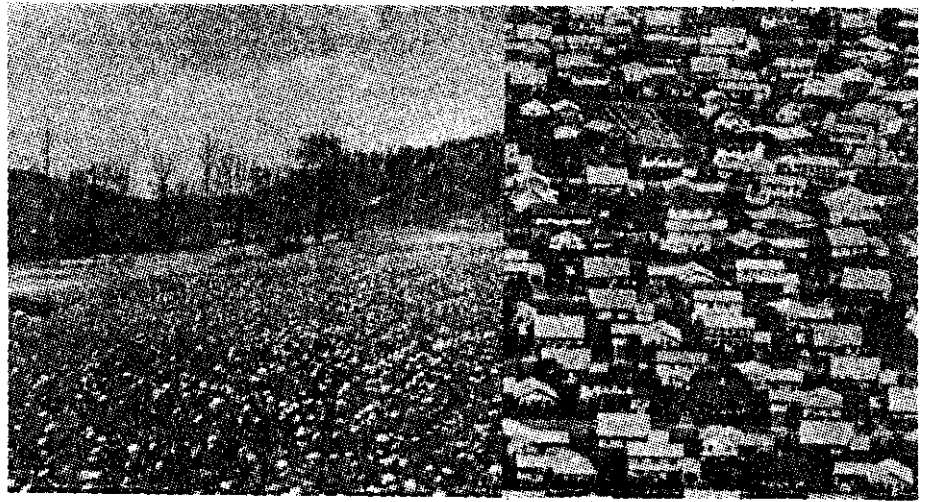


خویشاوندی و روابط نزدیک اجتماعی مبتنی بر روابط «چهره به چهره» بوده و همین امر موجب پیوستگی و انسجام در جامعه روستایی بوده است. همبازیها و مساعدت‌هایی که بین روستاییان وجود داشته، ارتباط بین روستاییان را حفظ و تقویت کرده است. و شاید وجود همین روابط و حلقه دلبستگی آنها به یکدیگر و به اوطانشان، مانع از هجرانهای ناخواسته و غیر ضرور بوده است.

روابط عمودی یعنی رابطه بین مالک و گروه‌های مختلف روستائین، که هرم قدرتی را پدید می‌آورد. که در راس هرم مالک قرار داشت و نماینده مالک، مباشر، داروغه، کدخدای دشتیان به ترتیب در مدارج پایین‌تر از مالک و بالاتر از روستائینان (اعم از زارع و خوش‌نشین) قرار داشتند، مالکها که اغلب غایب از روستا و ساکن در شهرها بودند با کمک عواملشان علاوه بر مدیریت اقتصادی، مدیریت اجتماعی روستا را نیز برعهده داشته و تردد روستاییان به شهر و حتی معاملات آنها با دکانداران شهری را تحت نظارت داشتند. مالک و نمایندگان در مجموع علاوه بر تنظیم و تلفیق عوامل تولید در جهت تولید بیشتر (چون لااقل در حدود نیمی از آن نصیب وی می‌شد)، مدافع جامعه روستایی بر علیه سلطه هرگونه عامل خارجی و مغایر منافع مالک بود. مالک با بهره‌گیری از اوقات بیکاری روستاییان به صورت به بیگاری گرفتن آنان مانع از پیدایی ما به ازاء ریالی نیروی کار یعنی مزد می‌شد. در دوره مالک، وجود همبازیها و اشکال مختلف تولید گروهی، نیاز به نیروی کار اضافی در زمانهای خاص را از طریق مبادله خدمات تامین می‌کرد.

کار در شهر، محدود به کارهای ساده ساختمانی بود که گسترش چشم‌گیری نداشته و نیروی کار خارج از محیط شهر را نمی‌طلبیده است.

نظام ارباب و رعیتی ایجاب می‌کرد تا مالک و عواملش بر او روستاییان به شهرها



عوامل موثر در مهاجرت روستایی در ایران

□ دکتر مهدی طالب استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

ایران، ابتدا به دو دوره متمایز قبل و بعد از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌گردد، آنگاه در دوره بعد از تقسیم زمین در سال ۱۳۴۰ قائل به سه دوره نسبتاً مشخص به شرح زیر می‌شویم:

- از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۳ دوره افزایش قیمت نفت
- از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی
- از سال ۱۳۵۸ تاکنون

مهاجرت روستاییان به شهرها تا قبل از اصلاحات ارضی روندی مداوم ولی آرام داشت. وجود نظام مالک و رعیتی با تمام مظاهرش از یک طرف، و عدم وجود سرازو و موسسات صنعتی نیازمند کارگر از طرف دیگر، موجب کندی روند مهاجرت بوده است. در نظام ارباب و رعیتی روابط اجتماعی به صورت عمودی و افقی برقرار بوده است.

روابط اجتماعی افقی، همان روابط بین روستائینان بود که بر اساس پیوستگی

مهاجرت بطور کلی و نیز مهاجرت از روستا به شهر امری قدیمی است و ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی انسان دارد. بحث در علل و انگیزه‌های مهاجرت و احصاء عوامل موثر در آن دشوار است بالاخص زمانی که به مهاجرت بعنوان پدیده اجتماعی تام نگریسته شود، و قصد آن باشد که نقش و اهمیت عوامل و انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبیعی، نظامی، روانی و... در لایه‌های مختلف این پدیده را مورد بررسی قرار داد. تغییر یک یا چند عامل از عوامل موثر بر مهاجرت می‌تواند دگرگونی‌ها و حتی جهش‌هایی در جریان آن پدید آورد. بنظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در ایجاد دگرگونی در روند مهاجرت از روستا به شهر، تغییر ساختار ارضی و روابط تولیدی ساکنان در شهر و روستا باشد. جریانی که تحت عنوان اصلاحات ارضی از آن یاد می‌کنند.

در بررسی عوامل و انگیزه‌های مهاجرت در

را کنترل نموده و حتی از مهاجرت آنها جلوگیری کنند، تا از نیروی کار زارعین بعنوان تنها عامل مجانی یا ارزان در تولید زراعی بهره گیرند. در این دوره مهاجرت یومیه روستاییان به نقاط اطراف که سابقه و ناچیز بوده، مهاجرت خورده مالکان و بهره برداران مالک که از وضع مانی بهتری برخوردار بودند به مناطق شهری به منظور برخورداری از خدمات رفاهی، بهداشتی و آموزشی معمول بوده، ولی این امر بمعنای ترک کشاورزی و مهاجرت شغلی نبوده بلکه این گروه تغییر منزلت داده و همانند مالکان غایب که آگاهانه یا ناآگاهانه الگوی آنها بودند، رفتار می کردند. شهرنشینی و اقدام به کشاورزی به طور غایب با استفاده از ماشینهای کشاورزی خاصه تراکتور، برای این گروه میسر بود. زارعین متخلف یا آنهایی که نافرمانی کرده بودند یا از طرف مالک طرد شده بودند، و اجازه سکونت در ده نداشتند، به شهر مهاجرت کرده و از روی اضطرار به عملگی، نوکری و امثال اینها دست می یازیدند. مهاجرت روستازادگان مرفه یا مورد توجه مالکان جهت تحصیل به روستاها و یا شهرهای نزدیک معمول بوده، و این گروه پس از اتمام تحصیلات کمتر به روستای خود بازمی گشتند و حتی بعضاً خانواده خود را به دنبال خویش به شهر می کشیدند. مهاجرت روستاییان به روستاهای دیگر چه به دنبال ازدواج و چه برای زراعت، خاصه در روستاهایی که به دنبال تامین آب زراعی توسط مالک ایجاد می شدند رایج تر بوده است. در مواردی نیز مالکان در جهت تسهیل نظارت و کنترل، زارعینی را از روستاهای دیگر با خصوصیات متفاوت در روستاهای خود ساکن می کردند. روی هم رفته وجود نظام اجتماعی مبتنی بر بزرگ مالکی مانع از مهاجرت به شهر بوده است و شهرها نیز به دلیل عدم رونق و گسترش فعالیت های اقتصادی، پذیرای زارعین یا خوش نشینان نبوده اند. لذا مهاجرت در این

دوره، خاص خورده مالکان گروه های مرفه روستایی، روستازادگان ثروتمند و بعضاً روستاییان رانده شده از روستا بوده است.

اصلاحات ارضی عامل اصلی مهاجرت روستایی در ایران

از سال ۱۳۴۰ موضوع مهاجرت در سطحی دیگر مطرح شد و از آنجا که علت اصلی این تغییر وضعیت یا بهتر بگوییم علت عمده دگرگونی ها و تغییرات حاصله در جامعه روستایی، و به تبع آن در جامعه شهری، جریان اصلاحات ارضی است. در ابتدا مختصراً به این جریان اشاره می شود:

اصلاحات ارضی مجموعه عملیاتی است که هدفش تغییر ساخت ارضی در یک کشور و یا منطقه از طریق اصلاح روابط اجتماعی به منظور بهبود تکنیکها و شیوه های زارعی و افزایش تولیدات کشاورزی است.^۱ ولی این واژه را در ایران بیشتر معادل تقسیم زمین گرفته اند و مراد از انجام برنامه های مربوط به اصلاحات ارضی ایجاد تغییراتی در جهت سیاست های اقتصادی و اجتماعی دیکته شده از سوی آمریکا بوده است.

اصلاحات ارضی انجام شده در ایران از زمره اصلاحات ارضی انجام شده در دهه توسعه (دهه ۱۹۶۰) می باشند که در بسیاری از کشورهای جهان سوم با اهداف خاصی پیاده گردید، نگاهی به آمار و ویژگی های اصلاحات ارضی در کشورهای مزبور نشان می دهد که همه یا اکثریت این اصلاحات از منبع واحدی ریشه گرفته و در جهت حصول نتایج کم و بیش مشابهی به کار گرفته شده اند.

در دهه ۱۹۶۰ کشورهای جهان سوم با اشاره ابر قدرت استعمارگر غرب، به اصلاحات ارضی پرداختند.^۲ هر یک از سلاطین و روسای مالک مزبور توجهات خاصی برای این اقدام برگزیدند، برخی خواب نما شدند،

برخی انسان دست و دمکرات و برخی دیگر... کشورهایی نظیر اندونزی، نپال، پاکستان، فیلیپین، بزریل، شیلی، کلمبیا، گواتمالا، پرو، ونزوئلا، ایران، الجزایر، تونس... در سالیهای دهه مزبور با شیوه هایی کم و بیش مشابه دست به اصلاحات ارضی زدند.

اصلاحات ارضی اهداف زیر را تعقیب می نمود:

فشار و اجحافاتی که بر زارعین می رفت، بر کمتر محقق پوشیده است. تسهیم ناعادلانه محصول، به بیگاری گرفتن زارعین و اقراد خانواده هایشان و وجود قرار و مدارهایی در جهت وصول بخشی از درآمد ناچیز زارعین و فشارها و کسرت های اعمال شده بر آنها، شرایطی را به وجود آورده بودند که کمتر کسی در بادی امر مخالف رهایی این گروه عظیم از افراد جامعه از زیر یوغ استبداد مالکان بزرگ بود، مالکینی که تعداد دهات آنها گاهی عددی سه رقمی را تشکیل می داد. لذا حذف مالکان بزرگ و شکستن شاخ آنها در روستا به خودی خود موجه جلوه می کرد.

از طرف دیگر زارعین که سالهای سال حتی قرن ها، نسل بعد از نسل فاقد زمین بوده و زمین را مایه اعتبار و منزلت می دانستند، از این که خود مالک زمین می شدند و مالکیتی پیدا می کردند و خود را در روستا ثابت شده و دارای حق می یافتند، خوشحال بودند. به محض این که فکر می کردند و یا در سالهای اول اصلاحات ارضی لمس کردند که دیگر لازم نیست بخشی از محصول را به دیگری بدهند و خود اختیاردار زمین شده اند، شاد می شدند. هدف طراح اصلاحات ارضی این بود که قشر طرفدار و حامی دولت را از گروه محدود مالکان بزرگ به گروه های وسیع زارعین و روستاییان تبدیل کند زیرا مالکان بزرگ مانع انجام سیاست های اقتصادی غرب بودند و استثمار از جامعه روستایی را منحصر به خود می دانستند و اجازه نمی دادند که دیگران به

روستا یعنی ملک طلق آنها تعدی نمایند. حتی دکانداران و پيلهوران شهری، تحت نظارت کلی مالک بوده و در حد معینی اجازه معامله بازاریعین را داشتند. طراحان اصلاحات ارضی گروههای میلیونی روستایی طرفدار دولت را پشتوانه مفیدی برای رژیم دست نشانده خود تلقی کرده و دل حکام را بیشتر به این خوش کردند. زارع جز قدرت مالک قدرت را دیگری نمی شناخت و حتی قدرت دولت را که در ژاندارم متجلی بود، تابع و ناشی از مالک می دانست، زیرا مالکان با بهره گیری از عدد روستاها و روستاییان زیرسلطه، کرسی مجلس را به خود اختصاص داده و مقامات اداری و لشکری، در دست خود یا وابستگان به آنها بود، لذا کمتر تضادی بین منافع مالکان بزرگ و مقاصد دولت وجود داشت.

در ایران با انتصاب فسردي موردنظر دموکراتهای امریکایی به نخست وزیري و با کنار زدن مقاماتی که بیشتر به استثمار پیر انگلیس وابسته بودند طرحی نو انداختند، و از همان آغاز با بوق و کرنا به بزرگ مالکی تاختند به طوری که پس از مدتی پای مالکان اعم از بزرگ و متوسط از روستا بریده شد و با تبلیغات وسیع، هرم قدرت مالکان در همان آغاز فرو ریخت، دولت نیز ابتدا از طریق ماموران اصلاحات ارضی که بعنوان مظهر نجات زارعین از ستم، قرنهای نزدیک روستاییان جلوه کرده بودند، جای خالی مالک را گرفتند و بعد از دولتی کردن روستا یا بردن قدرت و استیلای دولت به روستا، آن را به ماموران تعاونی و سرپرستان مربوط واگذاشت که به اصطلاح خلأ ناشی از مدیریت مالک را وسیله خود مردم در تجمعات تعاونی پرکنند. ولی در واقع خود دولت در ده حاضر و ناظر باشند، در سستی کوتاه این هدف نیز حاصل شد. نکته مهم این که اصولاً اهداف اصلاحات ارضی را طراحان تعیین کرده بودند، لذا در نتایج حاصله باید دید که برنامه، منطبق با اهداف آنها پیش رفته یا خیر. که بنظر می رسد از این جهت توفیق نسبی

داشته اند و این که ما اصلاحات ارضی را ناموفق می دانیم به لحاظ این است که اهداف را خود به آن می دهیم و طبیعی است که نتایج حاصله با اهداف صوری اعلام شده یا مستتر در قانون بنامورد خواست ما سازگار نباشد.

خلاصه اینکه نه تنها جامعه روستایی برای اجرای هرگونه سیاستی که به دولت القاء می شد آماده گردید، بلکه اجازه داد تا ترکیب مجلس نشینان و وزراء و سایر مقامات عوض شود، و آنهایی که با نوای قدرت استکباری بهتر می رقصیدند پا به میدان سیاست گذارند، که در اجرای سیاستهای موردنظر آنها کاسه از آش داغتر هم شدند.

برخی از مالکان گذشته نیز با استفاده از مبالغ دریافتی بابت غرامت اراضی و استفاده از منابع بانکی، نقش سرمایه دار داخلی را همراه با گروهی از بازاریان و سایر افراد تازه به دوران رسیده به عهده گرفتند و زمینه ساز ایجاد نوعی صنعت مونتاژ وابسته شدند و گروهی هم خود را برای فروش مصنوعات کشورهای غریبی و گسترش فرهنگ مصرفی سازمان دادند.

اهداف اقتصادی

همانگونه که در تعریف اصلاحات ارضی آمد یکی از مقاصد اصلاحات ارضی علی الاصول تغییر ساخت ارضی از طریق اصلاح روابط اجتماعی بمنظور بهبود شیوه ها و تکنیکهای کشت برای افزایش تولیدات کشاورزی است. در حالی که غلبه هدف سیاسی از همان آغاز نه تنها بهبودی در این زمینه را نوید نمی داد بلکه کاهش تولیدات کشاورزی را نیز به دنبال داشت. در سالهای اول اصلاحات ارضی این امر را نشانی از تلاطمات حاصل از اصلاحات انجام شده و جایگزین نشدن تعاونیها جهت ایفای نقش مدیریت می دانستند و به همین دلیل نه تنها

تولیداتی در حد گذشته به شهرها روانه نشد بلکه تعاونیهای تازه تشکیل شده محل توزیع گندم و آرد امریکایی بین روستاییان صاحب زمین شده، گردیدند. نگاهی به وضع تولیدات کشاورزی تا قبل از دهه ۱۳۴۰ نشان می دهد که نه تنها، جز در مواردی خاص و آن هم به طور محدود وارد کننده نبوده ایم، بلکه صادرات کشاورزی ما خاصه حبوبات و پنبه قابل توجه و یکی از عمده منابع ارزی بوده است.^۵

قصد آن ندارد که به تفصیل و با استفاده از آمار و ارقام به توجیه کاهش تولیدات بپردازد، زیرا در این حاجتی نمی بیند، لکن به طور اختصار به علل این کاهش یا انجماد رشد تولیدات علی رغم رشد فزاینده تقاضای محصولات کشاورزی به نکات زیر اشاره می نماید:

۱ - از بین رفتن مدیریت روستا در سطح کلی. در گذشته مالک علاوه بر تامین آب، تهیه بذر و پرداخت مساعده و تقاوی در موارد لزوم، تلفیق عوامل تولید، تنظیم برنامه کشت زیر نظر مالک و عواملش بود، علی رغم ادعای جانشین کردن این مدیریت توسط تعاونیهای روستایی، هنوز هم خلاء آن مشهود است.

خشک شدن قنات، عدم سرمایه گذاری در مسائل مربوط به آب زراعی، رواج چند کشتی، به هم خوردن نظام سنتی، بهره برداریهای گروهی که در بسیاری از مناطق ناسامعده طبیعی موجب افزایش تولید و جلوگیری از اتلاف آب بود، هریک از بهره برداریهای کوچک زراعی را به صورت مستقل در آورد، به سان دانه های تسییحی که بریده شده باشد.

۲ - تکیه بر نسق زراعی و واگذاری اراضی رسماً به صورت مشاع و عملاً قبول تقطیع و افراز اراضی موجب گردید تا جنبه سیاسی امر تقویت شده، هر روستایی صاحب نسق را مالک چندین قطعه زمین نماید و از نظر اقتصادی توجهی به حداقل مساحت مطلوب اراضی برای واحد بهره برداری

نگردد. زمینها مستقیماً از مالک به زارع منتقل شد و دولت از انجام عملیات زیربنایی مثل نهرکشی، تسطیح، زهکشی، ابا نمود، زیرا همان طور که اشاره شد جنبه سیاسی امر اولویت تام داشت.

۳- در بسیاری از موارد از مساحت اراضی زیرکشت زارعان در قبل از انجام اصلاحات ارضی، کاسته شد. زیرا وجود شق تقسیم آب و زمین براساس نسبت محصول در مراحل بعدی اصلاحات ارضی باعث گردید تا بخش عمده‌ای از اراضی با اعمال نفوذ و رشوه، بین مالکان و زارعین تقسیم گردد و زارعین روی بخشی از اراضی زراعی که قبلاً تحت کشت و کار داشتند فعالیت نمایند. به علاوه بخشی از اراضی تحت عناوین مستثنیات و مکانیزه از دست زارعین گرفته شد.

۴- وصل بازار محصولات کشاورزی به بازار جهانی و پایین نگهداشتن نرخ محصولات کشاورزی خاصه غلات و کشتهای غیرتجاری از یک طرف، و ورود مفهوم پول در قبال کار یعنی «مزد» به جامعه روستایی از عمده عوامل عدم توجه روستاییان به کشتهای سنتی و ناتوانی از کشت تجاری و میل به فروش نیروی کار با قیمتی چند برابر درآمد حاصل از زراعت به حساب می‌آید.

۵- رها کردن زارع ناتوان و نیازمند در برخورد با بازار، چیزی که قبلاً برعهده مالک بود باعث گردید که بخش عمده‌ای از محصول کار وی نیز توسط واسطه‌های زاید، پیلهوران، و سلف‌خران بلعیده شود و مبلغ قابلی برای زارع باقی نگذارد.

۶- ناتوانی زارع در سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از تکنیکها و شیوه‌های نوین زراعی و نبود سازمان و نهادی که این مهم را برای زارعین خرده پا و کم‌مایه فراهم آورد، آنها را در سطح همان شیوه‌های سنتی نگاه داشت و افزایش بازدهی مشهود نگردید.

این عوامل به اضافه عوامل دیگری که در

بی‌خراند آمد، نه تنها افزایش تولیدات را باعث نشد بلکه سبب کاهش آن نیز گردید. اگر در ارقام رسمی قدری رشد ملاحظه می‌گردد بنظر می‌رسد ناشی از واحدهای بهره‌برداري سرمایه‌داری باشد که همبای اصلاحات ارضی متولد شدند. زیرا مستثنی کردن ۵۰۰ هکتار اراضی زیر کشت مکانیزه برای هریک از مالکان و واگذاری بخشی از اراضی به مالکان آنها براساس شق تقسیم آب و زمین طبق بهره مالکانه و ایجاد کشت و صنعتها، واگذاری اراضی زیر سدها به سرمایه‌داران کشاورزی از جمله اقداماتی بود که در جهت جلب رضایت خرده مالکان یا مالکان متوسط و ایجاد بازار فروش ماشینهای کشاورزی صورت گرفت.

هدف اجتماعی و فرهنگی

تمیز اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی به‌دلیل تنیدگی و تداخل آنها به سادگی میسر نیست و اگر در این قسمت جداگانه ارائه شده‌اند، صوری و برای سهولت بحث است. از آنجا که قبل از اصلاحات ارضی دو دسته روابط اجتماعی برشمردیم یکی عمودی که با انجام مرحله اصلاحات ارضی فرو ریخت و دیگری روابط افقی، از این رو بعد از انجام اصلاحات ارضی علی‌رغم وجود یک نوع رهبری محلی در مسائل غیراقتصادی، روستاییان از قشربندی خاصی برخوردار نبوده و هرم قدرتی در ده وجود نداشت. با این ترتیب هریک از روستاییان خود را مستقل دانسته و زیربار دیگری نمی‌رفت، انجام تشریفات اصلاحات ارضی و گاهی وجود پاره‌ای اختلافات با مالک پای آنها را به شهرها کشاند، با اداره‌ها خاصه اداره اصلاحات ارضی آشنا شدند، مانع و رادعی در جهت مراد با شهر ندیدند. به علاوه سیاستهای توسعه صنعتی که نطفه‌اش با اصلاحات ارضی بسته شده بود، نیازمند کارگر ساده برای ایجاد تاسیسات و حتی کار در

کارخانه‌ها بودند. فعالیتهای شهری با استفاده از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی رونق گرفته بود و روستاییان، خاصه خوش نشینان که در تقسیم میراث مالکانه بی‌نصيب مانده بودند آرام، آرام رویه سوی شهرها نهادند، فرزندان کشاورزان که طبق قانون بجز یکی، مابقی امکان کار روی زمین بعد از پدر را نداشتند، از یک طرف، و عدم امکان توسعه اراضی همبای رشد جمعیت، به‌نحوی جبر مهاجرت کشاورزی را مطرح کرد و چون امکان و توان فعالیت دیگری برای روستاییان موجود نبود ناگزیر مهاجرت کشاورزی به مهاجرت روستایی تبدیل گردید.

انجام اهداف اقتصادی برنامه مورنظر طراحان به آنچه که آمد محدود نمی‌گشت، طبق برنامه می‌بایست از جامعه وسیع روستایی بازار مصرف مهمی ساخت و این امر میسر نبود مگر باحمله به ارزشها و هنجارهای جامعه روستایی که بخش عمده‌ای از این هدف را تردد مهاجران فصلی و دائمی به جامعه روستایی انجام می‌داد، زیرا علی‌رغم مهاجرت این گروه وابستگی آنها با خانواده‌ها و خویشاوندان به یکباره قطع نشده بود، مراد از این گروه، ناقل بسیاری از ارزشهای جامعه شهری به روستا شده بود، از طرفی دیگر شرایط لازم برای تغییر ارزش و هنجارهای روستاییان را با ایجاد نهادها و موسسات موردنظر در جامعه روستایی فراهم آورد.

سپاه دانش که خود نیز تحت پوشش هدف ظاهرالصلاحی وارد کار شد لااقل دو هدف عمده را دنبال میکرد: یکی تغییر ارزش و رفتار روستاییان، در مواردی با الگو قرار دادن یک جوان هیجده ساله شهری که خود علاوه بر اشاعه بسیاری از مفاسد جامعه شهری، راه و رسم مصرف کردن را می‌آموخت و دیگری دادن معلومات ابتدایی لازم به اطفالی که به‌صورت نیروهای کار کمی بعد وارد شهرها می‌شدند. همراهی دختران سپاه دانش با پسران و فشار در جهت تشکیل کلاسهای مختلط در

جامعه روستایی همه در جهت حمله به ارزشها و هنجارهای معتبر جامعه روستایی صورت می گرفت.

سپاه بهداشت نیز برای مبارزه با بیماریها و ارتقاء سطح بهداشت اگرچه تا حدودی موفق بود و لااقل موجب کاهش مرگ و میر کودکان کمتر از یکسال شده بودند، بر رشد طبیعی جمعیت روستایی افزود. به دلیل پایین بودن سن ازدواج در روستا، استفاده از تقریباً تمام طول دوره باروری زنان کمتر دستخوش تغییر شد. در حالی که در روستاهای تحت نفوذ پزشکان، بنحو چشم گیری از مرگ و میر کودکان کاسته شد. اجرای برنامه های تنظیم خانواده و توزیع وسایل جلوگیری از بارداری در روستاها ناموفق بود. زندگی یک پزشک و چند کمک پزشک در روستا الگوی تازه ای از زندگی و مصرف در روستا را به نمایش می گذاشت.

سپاهیان ترویج کشاورزی نه قادر به ترویج شیوه های نوین بودند و نه ابزار لازم را داشتند. شاید عمده تأثیر آنها تولید بی اعتمادی به روشهای جدید به دلیل ناشی گری مروجان و عدم تأمین شرایط مقتضی بود، و اثرات دو دسته فوق الذکر را نیز به همراه داشتند.

تشکیل تعاونی های روستایی که علی رغم اهداف مترقی منعکس در اساسنامه اشان، واحدی برای توزیع وامهای کوتاه مدت و قلیل المقدار بودند که در سال فقط یک بار پرداخت می شد، این قبیل وامها بیشتر به درد خریدهای مصرفی و انجام مسافرت و ... می خوردند.

تشکیل فروشگاههای مصرف و تصویب طرحهای کالارسانی نیز زمینه مصرف در جامعه روستایی را بالا برد. وقتی برنج خارجی را در روستاهای گیلان ارزانتر از برنج محلی و آرد را در خراسان ارزانتر از گندم محلی می فروختند.

این تعاونیها در ایفای این وظایف و سایر وظایف محوله مثل سرساز گیری، در سیافت

اقساط اصلاحات ارضی، توزیع قرص ضدبارداری و موارد نظیر اینها موفق بودند. به نظر می رسد این تعاونیها نه تنها یار زارعین نشدند، بلکه به دلایل عدیده بار آنها بودند و هستند.

به این ترتیب از چند جهت به روستا حمله شد و بستریج روستایی بودن، لباس محلی پوشیدن، غذای محلی خوردن و امثال اینها را ضد ارزش جلوه دادند، شهری بودن، کارگر بودن، شلوار جین پوشیدن، «کوکا» و «پسی» نوشیدن و «وینستون» کشیدن، ارزش قلمداد شد.

به مطلب برگردیم یعنی مهاجرت بعد از اصلاحات ارضی، به دلایل مختلف از جمله مواردی که ذکر شد، برای مهاجرت روستاییان به شهرها، شرایط مقتضی و موانع مفقود بود. توسعه سرمایه گذاریهای صنعتی و انتخاب راه صنعتی شدن، شتابان جاذب نیروی کار بود. این روند با رشدی قابل توجه تا سال

۱۳۵۳ ادامه داشت، در این سال به دلیل افزایش قیمت نفت و امکان سرمایه گذاریهای بیشتر نیاز به نیروی کار بیشتر شد، تا جایی که روند مهاجران روستایی کفاف نمی داد و به استخدام کارگر از کشورهای جهان سوم اقدام شد. در این دوره سیاست برنامه ریزی مملکت در پی رشد شتابان صنایع در قطبهای صنعتی بود، که روستاها را در محرومیت قرار میداد^۱ و اگر هم بعضاً سرمایه گذاری می شد در جایی بود که امکان بازدهی قابل توجهی داشت. در عوض در چند شهر توسعه شبه انفجاری مشهود گردید. افزایش مزد در شهرها در این دوره تا حدود زیادی موجب مهاجرت کشاورزی نیز گردید و کم نیستند روستاهایی که در این دوره از جمعیت خالی شدند، این دوره که به انقلاب اسلامی منتهی می گزرده دوره تشدید مهاجرت روستاییان به حساب می آید.

راجع به روند مهاجرت بعد از انقلاب اسلامی مطالب مفصلی می تواند مطرح باشد لکن از آنجا که دقیقاً مطالعه نشده اند. عجلاناً

اضافه می شود که اقدامات انجام شده در حد و سطحی نبوده است که نتایج دگرگونی های ایجاد شده ظرف حدود بیست سال را کند، کند و حتی در مواردی اقدامات انجام شده موجب تسریع مهاجرت نیز گردیده است. بدیهی است تا زمانی که جریان اقتصادی داخلی روستا به شکلی نباشد که تأمین کننده زندگی متوسطی برای روستاییان باشد اقدامات رفاهی روستاها آرایش و بزکی بیش نیست و بار سیاسی دارد نه اقتصادی.

چاه باید خود بجوشد، آب ریختن به چاه نه اقتصادی است نه اجتماعی و نه خردمندانه. اخذ تصمیم روستاییان به مهاجرت از سالها قبل فراهم شده است، ممکن است ارائه امتیازاتی به گروههای مهاجر و کم درآمد در شهر، مهاجرت را زودرس نماید ولی عامل اصلی مهاجرت نیست. اگر برنامه ها دگرگون نشوند و طرح تازه ای افکنده نشود باز هم باید شاهد مهاجرت های سیل آسا باشیم.

عواقب و نتایج مهاجرت روستاییان

مهاجرت به عنوان محصول سیاستهای اقتصادی اجتماعی مأخوذه از سال ۱۳۴۰ به بعد از جمله اجرای برنامه اصلاحات ارضی نقش محوری در ایجاد دگرگونیهای اجتماعی در جامعه شهری و روستایی ایفاء کرده است، تغییرات حاصله ناشی از این پدیده اجتماعی و سایر عوامل را می توان به شرح زیر دسته بندی نمود.

۱ - تغییر عادات و الگوهای مصرفی بخش عظیمی از افراد جامعه شامل مهاجران روستایی و حتی روستائینشان. به این ترتیب که زندگی در شهر و انتقال فعالیت اقتصادی از واحد خانوادگی به نهادهای دیگر و دریافت مزد و حقوق، خواه ناخواه بر الگوی مصرف و شیوه زندگی مهاجران مؤثر است. خانواده مهاجر که تا قبل از این بخش عمده ای از مایحتاج مصرفی را خود تولید می کرد و یا بنا

بر روال معمول جامعه محل زندگی و عرف موجود و از همه مهمتر مناسب با درآمدش هزینه می‌کرد، به تدریج از ارتباطش با ده و زمین زراعی کاسته شد و اگر در سالهای اول هنوز هم بخشی از مواد غذایی مورد نیازش را از ده تأمین می‌کرد به تدریج ناچار از تأمین کلیه مایحتاج خود از بازار گردید.

روستاییان از گذشته آموخته بودند که متناسب با سهمی که از محصول زراعی عایدشان می‌شد و با استفاده از فرآورده‌های دامی چند رأس دام خود زندگی را بگذرانند. لکن بدلیل تغییر موضع و پایگاه اجتماعی و تغییر کارکرد خانواده، سطح زندگی خود را بر مبنای سطح زندگی کارگران صنعتی بنا نهادند، مصارفشان افزایش یافت در حالیکه سهم آنها و روستاییان باقیمانده در روستا در تولید کالاهای مصرفی کاسته شد. از آنجا که میزان مصرف و رشد غذایی به‌طور کل تابعی است از دو متغیر رشد جمعیت و رشد درآمد، لذا مهاجرین با حفظ بعد خانوار مستغیری که به دلایل مختلف فرهنگی و اقتصادی نه تنها با کاهش چشم‌گیری مواجه نشد، (حفظ عادات و سنن راجع به ازدواج زودرس و عدم قبول فرهنگ جلوگیری از حاملگی، با کاهش مرگ و میر) بلکه راه افزایش را نیز بی‌مورد و موضوع اضافه درآمد در جامعه شهری، بر مصرفش افزوده شد. افزایش درآمد در این گروه که تا سطح معمول مصرف جامعه شهری فاصله داشت، گاهی تا صد درصد صرف تأمین مایحتاج ضروری خانواده می‌گردید. یعنی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از افزایش درآمد در این گروه، نادر یا محدود است. به این ترتیب بالا رفتن بعد خانوار، افزایش درآمد و صرف تمام یا قسمت عمده‌ای از درآمد برای هزینه‌های مصرفی، مصرف سرانه محصولات کشاورزی را بالا برد. عدم هم‌آهنگی بین رشد تولیدات کشاورزی و رشد تقاضا برای محصولات مزبور، بر واردات مواد غذایی افزود.

در سال ۱۳۴۰ ایران حدود ۲۲ میلیون نفر جمعیت داشته که حدود سه چهارم آن یعنی قریب ۱۶/۵ میلیون نفر روستانشین بوده‌اند. حدود ۴/۱۵ میلیون هکتار زمین آبی و دیم زیر کشت گندم و جو بوده که در مجموع قریب به ۳/۶۷ میلیون تن تولید داشته است. تولیدات دیگر کشاورزی نیز کم و بیش متناسب با میزان تقاضا بوده است و در پاره‌ای از موارد مثل پنبه حتی صادرات هم وجود داشته است. در همین سال متوسط مصرف سرانه محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی به این ترتیب بوده است:

گندم ۱۳۰ کیلو، برنج ۱۵ کیلو، حبوبات ۶ کیلو، مرکبات ۱/۱ کیلو، شکر ۱۵ کیلو، گوشت قرمز ۱۰ کیلو، گوشت مرغ ۰/۷ کیلو، پنیر ۰/۸ کیلو، روغن ۴ کیلو. این ارقام در سال ۱۳۵۳ افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند، بطوریکه سرانه گندم حدود ۲۰ کیلو اضافه می‌شود. مصرف سرانه برنج ۲/۴ برابر، حبوبات نزدیک به ۴ برابر، مرکبات حدود ۱۳ برابر، شکر حدود ۲ برابر گوشت قرمز ۱/۷ برابر، گوشت مرغ ۴/۵ برابر، پنیر حدود ۳ برابر، روغن حدود ۲/۲ برابر می‌گردد، با توجه به افزایش مصرف سرانه و ناهم‌آهنگی رشد تولیدات کشاورزی، در سال ۱۳۵۳ شاهد ورود یک میلیون و دویست هزار تن گندم و جو هستیم، گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، مرکبات، کره، پنیر، روغن نباتی، و قند و شکر به‌منظور جبران کمبودها و به یمن فروش ثروت ملی به‌مقدار قابل توجهی وارد می‌شود.

گندم و جو که در سال ۱۳۵۲ حدود ۸۴۰ هزار تن وارد می‌شود در سال ۱۳۵۷ به ۱/۸ برابر و در سال ۱۳۶۰ به سه برابر رسیده، در سال ۱۳۶۲ گندم وارداتی (۳/۰۳۱ هزارتن) نسبت به سال ۱۳۵۲ حدود ۴/۲ برابر گردیده است. برنج وارداتی در سال ۱۳۵۲ حدود ۱۲ هزارتن بوده که در سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰ برابر شده، در سال ۱۳۶۰ مقدار برنج وارداتی حدود ۴۸ برابر و در سال ۱۳۶۲ این رقم باز هم افزایش

یافته. برای نمونه به چند رقم دیگر نیز اشاره می‌شود. گوشت قرمز در سال ۱۳۵۲ حدود ۳۲ هزارتن وارد می‌شد، این رقم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۵/۵ برابر و در سال ۱۳۶۱ حدود ۶ برابر و در سال ۱۳۶۲ به حدود ۷ برابر می‌رسد. واردات گوشت مرغ که در سال ۱۳۵۲، ۳ هزارتن بود با افزایش قیمت نفت در سال ۵۳ مانند واردات سایر محصولات نزدیک به چهار برابر شد. در سال ۱۳۵۶ به پنج برابر و در سال ۱۳۶۰ به ۲۲ برابر رسید. تخم مرغ وارداتی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ هیجده برابر و تا سال ۱۳۶۰ چهل برابر می‌شود!

ارقام فوق بعنوان گواهی بر افزایش مصارف سرانه ذکر گردید. بدیهی است که میزان تولید جواب‌گوی نیاز مصرفی رو به تزاید جمعیت شهری و روستایی را نبوده و ارقام واردات گواه خوبی است بر این ادعا که یکی از راههای وابستگی کشور، افزایش بی‌رویه مصرف، یا بعبارتی اشاعه مصرف کور بوده است.

این وضع یعنی تغییر الگوی مصرف که با واردات مواد غذایی تسهیل شده است یکی از اثرات عمده مهاجرت بحساب می‌آید که متأسفانه تاکنون کمتر به این مهم توجه شده است. بیشتر مصرف کردن، بهتر مصرف کردن با استفاده از مزد بالائی که فروش فراوان نفت ممکن کرد، برای هر کشوری که تولید محصولات کشاورزی آن کافی نیست مشکل مهمی است و یکی از اقدامات اساسی که حتماً می‌بایست همراه با سایر برنامه‌ها یا حتی بعنوان زمینه‌سازی اجرای سایر برنامه‌ها به اجراء درآید تغییر الگوی مصرف بطور کلی اعم از غذایی و پوشاک و لوازم لوکس است. ولی افسوس که بار سیاسی این مطلب به دلیل رفاه طلبی و ارزش جلوه دادن مصرف در جامعه بشکلی در آمده است که کمتر کسی به آن می‌پردازد.

عمده‌ترین هدف طراح دگرگونیها در ایران و سایر کشورهای جهان سوم متعاقب

اصلاحات ارضی مصرفی کردن جامعه بطور کلی به ویژه جامعه روستایی که استعداد های بکری در این میان داشت، بوده است. این هدف با برنامه ای همه جانبه و ظرف سالها با تغییر فرهنگ حاصل شده است که چاره آن جم با کار فرهنگی و صرف وقت ممکن نیست، ولی افسوس که همیشه انجام کارهای فیزیکی که سریع نتیجه میدهد و نتیجه اش قابل اندازه گیری و تبلیغ است، میدان را از کار فرهنگی میگیرد.

۲ - در گذشته و تا قبل از تقسیم اراضی روستاییان ارتباطات کمتری با شهرها داشتند، رسوخ نفوذ شهر در روستا نیز به دلیل ضعف شبکه ارتباطی، اعم از راهها و وسایل نقلیه و وسایل ارتباط جمعی خاصه رادیو، به حدی نبود که دگرگونی های اساسی در رفتار و هنجارهای جامعه روستایی ایجاد نماید. لذا جامعه پذیری در روستا از طریق خانواده و گروه های اجتماعی مستقر در روستا صورت می گرفت که هنجارهای خود را به افراد جدید منتقل می نمودند. هنجارهایی که به صورت آداب و رسوم، مورد رفتار همه اعضای گروه قرار می گرفت، کنترل اجتماعی به دلیل رخ به رخ بودن انسانها و تنگاتنگ بودن روابط اجتماعی قوی بوده، و عدول از هنجارهای اجتماعی در جامعه روستایی به آسانی امکان پذیر نبوده است. شهرها برای مدتی روستایی مهاجر را به اصطلاح دچار خلاء فرهنگی می نماید زیرا از یک طرف مهاجر هنجارهای خود را در شهر نمی تواند عمل کند و به هنجارها و ارزشهای جامعه شهری لااقل برای مدتی آشنایی نداشته و به اصطلاح توجیه نشده یا مرحله فرهنگ پذیری را پشت سر قرار نداده است. در این مرحله اگر روستایی جذب هم ولایتی های خود نگردد و یا محل استقرار و سکونتش با دیگر روستاییان آشنا فاصله داشته باشد، می تواند جذب گروه های فاسد اجتماعی در جامعه شهری گردیده و یا هنجارهایی را که می بیند و برخورد می کند لاجرم بعنوان ارزشها

و هنجارهای نو می پذیرد که در واقع هنجارها و ارزشهای وارداتی و تحمیل شده اند. شهرنشینان تا چندی پیش جین نمی پوشیدند و خیلی از رفتارهایی که امروز متداول و مرسوم است انجام نمی دادند، ولی وسایل ارتباط جمعی خاصه سینما و تلویزیون هنجارهای تازه ای به جامعه تحمیل کرده که این نوع هنجارها به ویژه برای روستاییان مهاجر متشاءشان به خوبی روشن نیست و آنها را مظهر شهرنشینی می دانند و اکثراً آنها را می پذیرند. لذا در چنین جوامع شهری میزان بزهکاری و جرم و جنایت بالاست، نسبت جرم، اعم از دزدی، فحشاء، زنا، لواط، و سایر آسیبهای اجتماعی مثل طلاق، اعتیاد، تجاوز به عفت و امثالهم علی الاصول نسبتشان در جامعه شهری بالا هست و دلیل عمده آن ضعف روابط اجتماعی، تنزل سطح کنترل اجتماعی توسط گروه های اجتماعی مثل خانواده، محله و نظیر اینهاست که تأثیرش برای شهرنشین و مهاجر وجود دارد. لکن برای مهاجر بیشتر و مرئی تر است و یکی از نتایج عمده این تغییر و دگرگونی ضعف فرهنگی و فراهم شدن زمینه جرم و گناه در جامعه است.

۳ - فشار مهاجرت روستایی موجب تشدید مشکل بی مسکنی، تقویت کم مسکنی و پذیرش بد مسکنی گردیده و مشکلات عدیده ای را در راه تأمین خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی در جوامع شهری پدید می آورد و در مواردی که حجم مهاجرت از حد می گذرد، هزینه های خدماتی و رفاهی چندین برابر افزایش می یابد. عدم توان برخی نقاط شهری از نظر شرایط طبیعی، خاصه تأمین آب مشروب، شهرها را به مرحله انفجار و انهدام می رساند.

نتایج و آثار دیگری بر مهاجرت، خاصه مهاجرت سیل وار روستاییان بسی تجربه و تخصص در امر صنعت مترتب است که ذکر آنها مجال دیگری را می طلبد.

پی نوشت ها، منابع و مأخذها

۱ - چون مالک، تملک اعیانی های روستا را نیز دارا بود. به این ترتیب که مساکن و منازل، دکان ها و... در مالکیت، ارباب بود.

2 - Le coz. Jean. La Reforme Agraire, 1974 Point.

Paris. P.12.

۳ - در این زمینه نگاه کنید به نتایج «کنفرانس جهانی زمینداری» که در اکتبر ۱۹۵۱ در ویسکانسین آمریکا برگزار شده است و همچنین به تحقیقات فائو (سازمان جهانی خواربار و کشاورزی) که در سال ۱۹۵۱ در کتابی تحت عنوان «اصلاحات ارضی، نقایص در ساختمان ارضی به مثابه موانع رشد اقتصادی» منتشر نموده است.

4 - La Reforme Agraire P. 263

۵ - در سال ۱۳۳۳ حدود ۶۱ هزار تن برنج صادر کرده و در مقابل ۷۸ هزار تن وارد شده. در سال ۱۳۴۲ حدود ۹۷/۲ درصد از مصرف گندم، از تولید داخلی تأمین شده در حالی که سال ۱۳۵۱ این رقم به ۸۵ درصد و سال ۱۳۵۶ به ۸۰ درصد رسید، میزان وابستگی گندم در سال ۱۳۶۳ به حدود ۳۳ درصد می رسد.

۶ - مساعده مبالغی نقدی و جنسی بود که از جانب مالک در اختیار زارعین قرار می گرفت و به هنگام برداشت محصول دریافت می شد. و تعاونی عبارت بود از مبالغی (معمولاً نقدی) که به هنگام شروع کار زارع برای مالک، برای خرید گاو و کار و یا... از جانب مالک در اختیار وی قرار می گرفت و در مدتی طولانی تر و اغلب بطور قسطی دریافت می گردید.

۷ - عملاً هم امکان اشتغال تمام فرزندان در روی زمینهای مربوط به پدر وجود نداشت.

۸ - در برنامه چهارم و پنجم سهم بخش کشاورزی از کل اعتبارات برنامه به ترتیب ۸ درصد و ۷/۵ درصد بود.

۹ - مسیحیدر، حسین و شهبازی، اسماعیل، از تبول تا اصلاحات ارضی، ۱۳۵۰

۱۰ و ۱۱ - گزارشهای بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۲